

Opportunities and Challenges of Online Education in the University Education System

Mohammad Reza Borzoei *
Mohammad Majid Shahbazipour **
Mohammad Mahdi Mostowfi ***

Punishment in the Islamic system involves special goals, principles and methods which are explained in Islamic sources. This study is intended to review chapter thirteenth of the disciplinary regulations of the Armed Forces and to find out its agreement with the verses of the Qur'an and Islamic traditions, and to find possible gaps. This is for providing a basis for clarifying the necessity of having Islamic punishment, and providing a discourse about it, and secondly, to take a step forward to revise and complete the disciplinary regulations. This is a qualitative research following grounded theory method. In order to reach at the desired propositions, we used the qualitative content analysis method. We used Qur'anic software and Shiite and Sunni commentary books to compile the research literature. Citavi and MAXQDA software were employed to find out the propositions. In the process of establishing grounded theory, three types of open, axial and selective coding were performed, and the final research model was drawn. The results of this study, comparing the disciplinary regulations with Islamic teachings, showed that they have many features in common; yet, some cases have been neglected in the regulation, including the need for appropriate, timely and fitting punishments, the need for avoiding excessive punishment, the necessity of kind and gentle punishment, avoiding violent punishment, the necessity of gradual punishment starting from weak and mild levels and avoiding quick repetition of punishment. It is suggested that for the prevention of possible harms, the neglected cases in the field of etiquette and principles of punishment be added to the disciplinary regulations and notify all commanders and managers in different categories.

Keywords: Disciplinary regulations, armed forces, The Holy Quran, Islamic traditions, disciplinary punishment.

* Assistant professor at the Faculty of Culture and Communication, Imam Sadegh (AS) University
borzoei@isu.ac.ir

** Master of culture and communication, Imam Sadegh (AS) University
majid.shahbazi5770@yahoo.com

*** Master of culture and communication, Imam Sadegh (AS) University.
mahdimst@gmail.com

فرصت‌ها و چالش‌های آموزش برخط در نظام آموزشی دانشگاهی

محمدمجید شهبازی پور **

محمدرضا برزویی *

محمد مهدی مستوفی ***

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۱/۱۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۶/۲۴

چکیده

فضای مجازی، امروزه فراتر از یک رسانه یا فناوری است و به یک فضای زیستن تبدیل شده است. بسیاری از معانی‌ای که انسان می‌سازد، در بستر این فضا ساخته می‌شوند و این فضا، نقش برجسته‌ای در حوزه آموزش، یادگیری و حتی تربیت انسان یافته است. در عصر حاضر، ابزارهای فناوری در بستر فضای مجازی نیز در خدمت آموزش و یادگیری از راه دور قرار گرفته‌اند که این مسئله در نظام دانشگاهی کشورها حرکتی شتابان یافته است که بررسی فرصت‌ها و چالش‌های این مسئله، هدف نوشتار حاضر قرار گرفته است. این مقاله با روش «تحلیل مضمون» به دنبال پاسخ به این سؤال است که آموزش از راه دور و خصوصاً آموزش برخط (آنلاین) در نظام دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران چه فرصت‌ها و چه چالش‌هایی را در امر یادگیری دانشجویان ایجاد می‌کند؟ برای پاسخ به این سؤال، طی مصاحبه با ۲۵ نفر از اندیشمندان و صاحب‌نظران، ۴ فرصت و مزیت فراگیر و ۵ چالش و تهدید فراگیر به دست آمد. فرصت‌ها شامل: «عبور از محدودیت‌های زمانی و مکانی»، «ارتقای کیفی و گسترش عدالت آموزشی»، «فرصت‌های اقتصادی و توسعه بین‌المللی» و «تنوع در روش‌های ارزشیابی و توسعه نظارتی» و همچنین چالش‌ها شامل: «چالش‌های ساختاری و فنی»، «چالش‌های ساختاری و فنی»، «چالش‌های تربیتی و اخلاقی»، «چالش‌های سلامت روانی و جسمی» و «چالش‌های فرهنگی و اجتماعی» مشخص شدند که توضیح کدهای فراگیر فوق، در مقاله ذکر شده است.

کلیدواژه‌ها: آموزش مجازی؛ آموزش برخط؛ آموزش غیرحضوری؛ دانشگاه؛ فرصت، چالش

* استادیار، دانشکده فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق^(ع)، تهران، ایران

borzooei@isu.ac.ir

** نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق^(ع)، تهران، ایران

majid.shahbazi5770@yahoo.com

*** کارشناسی ارشد فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق^(ع)، تهران، ایران

mahdimst@gmail.com

مقدمه

رشد و پیشرفت فناوری در سال‌های اخیر، تأثیر بسزایی بر جوانب مختلف زندگی بشری گذاشته است. پیدایش رسانه‌های جمعی، رشد و گسترش پدیده جهانی اینترنت و پس از آن اقبال عمومی به سوی گسترش روزافزون شبکه‌های اجتماعی، تغییراتی را در رفتار آحاد بشر و سبک زندگی آنها به وجود آورده است. مسئله آموزش و یادگیری نیز از این جریان مستثنا نیست و توسعه ابزارهای نوین ارتباطی، بر روند تعلیم و تربیت سنتی اثرات چشمگیری گذاشته است.

این تأثیرات در برخی جوانب مثبت، سازنده و مفید فایده بوده است و البته در برخی جوانب نیز، تأثیر سوء و مخربی بر روند آموزش به جا گذاشته است. به کارگیری ابزارهای جدید و فناورانه، انواع جدیدی از آموزش را تحت عناوین آموزش غیرحضوری (که عام‌ترین شکل آموزش‌های جدید است و مواردی مانند آموزش از طریق پست را شامل می‌شود)، آموزش از راه دور، آموزش مجازی و در جدیدترین قالب خود، آموزش برخط (آنلاین)^۱ ایجاد کرده است.

می‌توان گفت دانشگاه مجازی و آموزش مجازی به هر نوع دوره و آموزشی اطلاق می‌شود که به شکلی غیر از روش‌های سنتی و رودررو انجام می‌گیرد. محتویات دروس ممکن است که از طریق اینترنت و یا استفاده از ویدئو یا تصاویر متعامل دوطرفه انتقال یابد. همچنین تلویزیون‌های کابلی یا ماهواره‌ای می‌تواند رسانه انتقال‌دهنده این موارد درسی باشند و یا می‌توان موارد درسی را روی CD یا DVD در اختیار گذاشت و یا ترکیبی از موارد فوق را به کار برد (کیا، ۱۳۸۸: ۶). امروزه رایج‌ترین شکل آموزش‌های جدید را آموزش‌های مبتنی بر وب یا فضای اینترنت تشکیل می‌دهند.

نظام‌آبادی و باستین در پژوهشی (۱۳۸۹) انواع طرق یادگیری مبتنی بر وب را بدین ترتیب برشمرده‌اند: مباحثه با رایانامه (ایمیل)، نظام مدیریت یادگیری، مولتی‌مدیا، مباحثه برخط (آنلاین)، منابع برخط، پاورپوینت، شبیه‌سازی، ارتباط هم‌زمان، آموزش خصوصی و کنفرانس ویدیویی (نظام‌آبادی و باستین، ۱۳۸۹: ۱۷۰).

در پژوهش حاضر، تمرکز بر دو جنبه اساسی موضوع آموزش برخط از حیث ظرفیت‌های بالقوه ایجادکننده آن است؛ با این توضیح دو سؤال اصلی این پژوهش بدین قرار خواهد بود:

۱. آنلاین (در تمام نوشته حاضر، به جای لفظ آنلاین از معادل فارسی آن، برخط، استفاده شده است)

۱. فرصت‌های آموزش برخط در عرصه دانشگاهی کشور چیست؟
۲. چالش‌های پیش روی آموزش برخط در عرصه دانشگاهی کشور چیست؟

به‌همین منظور تأکید سؤالات تحقیق بر نوع خاصی از آموزش‌های مجازی تحت عنوان «آموزش آنلاین یا برخط» است؛ چراکه در نظام‌های دانشگاهی کاربرد بیشتر و مؤثرتری داشته و استفاده از قابلیت‌های ممتاز آن بیشتر مورد استقبال مدیران آموزشی قرار می‌گیرد. در ادامه نیز تمایز این مفهوم از سایر انواع آموزش‌های مجازی تشریح می‌شود.

تعریف چارچوب مفهومی

آموزش مجازی

اصطلاح «آموزش مجازی^۱» را اولین بار کراس^۲ وضع کرد و به بیان ساده عبارت است از استفاده از فناوری اطلاعات برای یادگیری (لادوسر وهام، ۲۰۰۱: ۶). در تعریفی دیگر آموزش مجازی «مجموعه وسیعی از فرایندها و اعمال همچون آموزش مبتنی بر وب، آموزش مبتنی بر رایانه، کلاس‌های مجازی و همکاری‌های دیجیتالی را دربرمی‌گیرد و شامل ارائه محتوا از طریق اینترنت، اینترنت، اکس ترانت، انتشار ماهواره‌ای، نوارهای ویدیویی و صوتی، پخش ماهواره‌ای، تلویزیون محاوره‌ای و دیسک‌های فشرده است (کائو، ۲۰۰۵: ۱۹).

درواقع، آموزش مجازی عام‌ترین مفهومی است که پیونددهنده حوزه تعلیم و آموزش به حوزه فناوری‌ها و رسانه‌های نوین است. مفهوم آموزش الکترونیکی (مجازی) فراتر از آموزش از راه دور است. آموزش از راه دور بر مبنای متن درسی است که از طریق ارتباطات مکاتبه‌ای هدایت می‌گردد، اما در آموزش الکترونیکی، آموزش از راه دور بر مبنای فناوری اطلاعات است (علی احمدی و قلی‌زاده، ۱۳۸۲: ۶۹).

آموزش برخط

آموزش برخط^۳، گونه‌ای خاص از انواع آموزش‌های مجازی است که طی آن، هم استاد و هم فراگیر به‌طور هم‌زمان و به‌صورت برخط اقدام به انتقال محتواهای علمی می‌نمایند. استوارت به نقل

1. Virtual Education
2. Kerass
3. Online Education

از بنسون^۱ در تشریح نقش آموزش و یادگیری برخط برای برآورده ساختن هدف‌های آموزشی می‌گوید: «آموزش برخط نوعی یادگیری است که از اینترنت و سایر فناوری‌هایی که بر مبنای وب طراحی شده، استفاده می‌کند تا تجربیات یادگیری را فراهم سازد» (استوارت، ۱۳۸۹: ۱۶۱). اما این تعریف، تفاوت آموزش برخط با آموزش مجازی را به‌طور دقیق بازگو نمی‌کند.

آموزش برخط تعداد بسیار زیادی از موضوعات، حوزه‌های موضوعی، رشته‌ها و دوره‌های اخذ مدرک را شامل می‌شود. به تعبیر گسترده‌تر، آموزش برخط به معنای کسب دانش از طریق استفاده از دستورالعمل‌های ارائه‌شده از طریق اینترنت است. به‌طور خاص، آموزش برخط گونه‌ای از آموزش است که متکی بر خودآموزی نباشد و به‌جای آن مفهوم دقیق آموزش (انتقال دانسته از شخصی به شخص دیگر) محقق شود. به عبارت دیگر، خواندن مقاله در مورد پرندگان در دوره‌ای برخط به صورت «آموزش برخط» طبقه‌بندی نمی‌شود، اما ثبت نام در یک دوره آموزشی ویدیویی درباره گونه‌شناسی پرندگان که ارائه‌شده توسط یک معلم است، آموزش برخط محسوب می‌شود (Friedman, 2019).

آموزش‌های الکترونیکی به‌طور کلی‌تر در دسته‌بندی دوتایی آموزش‌های الکترونیکی غیرهم‌زمان و هم‌زمان تقسیم‌بندی می‌شوند. طبق این دسته‌بندی، می‌توان مواردی مانند ویدئوهای آموزشی، تصاویر و صوت‌هایی که توسط استاد برای فراگیران ارسال می‌گردد، دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت خودآموز و ... را در دسته اول یعنی آموزش‌های غیرهم‌زمان قرار داد. اما دسته دوم، یعنی آموزش‌های الکترونیکی هم‌زمان، یک ویژگی متمایزکننده نسبت به گونه دیگر دارند و آن حضور مجازی هم‌زمان استاد و فراگیر/ فراگیران در مدت انتقال محتواهای درسی است.

درواقع، آموزش‌های برخط، به معنای دقیق کلمه، حالتی شبیه به کلاس درس را بازسازی می‌کنند، با این تفاوت که حضور استاد و فراگیر در این کلاس به شکل مجازی است نه حقیقی. اکنون با این پیش فرض بهتر می‌توان تمایز دو مفهوم آموزش مجازی و آموزش برخط را دریافت و میان این دو تفکیک قائل شد.

دانشگاه برخط

دانشگاه مجازی، نوعی از آموزش الکترونیکی در دانشگاه‌هاست. در واقع، خاص‌تر از آموزش

الکترونیک است. البته چون طرح آن همگام با همگانی شدن استفاده از اینترنت شده بود، عده‌ای آن را دانشگاه اینترنتی می‌نامند که پسندیده نیست. اما به هر حال، طرح دانشگاه مبتنی بر اینترنت از سال ۱۹۹۶ داده شد. این طرح در انگلستان مطرح شد، اما به طور عملی در سال ۲۰۰۰ کلید خورد تا اینکه هم‌اکنون تعداد بسیار زیادی دانشگاه مجازی در سراسر دنیا وجود دارد (Bork & Brodsky، ۱۳۸۸، ۱۶۸۳).

اما دانشگاه برخط^۱ نیز دربرگیرنده تفاوت‌های اندکی با مفهوم دانشگاه مجازی است. به عنوان مثال، رایان و همکارانش در کتاب دانشگاه مجازی (۲۰۱۳)، دانشگاه برخط را این گونه تعریف نموده‌اند: «دانشگاه برخط، مؤسسه‌ای است که به عنوان ارائه‌دهنده مستقیم فرصت‌های یادگیری به دانشجویان مشغول به فعالیت است و از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات برای ارائه دوره‌های آموزشی، برنامه‌های درسی و کمک‌درسی خود استفاده می‌کند. این گونه مؤسسات، عموماً از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای سایر فعالیت‌های اصلی نظیر موارد زیر بهره می‌جویند:

- امور اداری (مانند بازاریابی، پذیرش و ثبت نام، سوابق دانشجویی و امور مالی)؛
- تهیه، تولید و انتشار محتواها؛
- دریافت شهریه؛
- مشاوره تحصیلی، ارزیابی یادگیری و برگزاری امتحانات» (Ryan et al., 2013).

با تعریفی که گفته شد، تفاوت‌های اندک اما مهمی بین دانشگاه مجازی و دانشگاه برخط مشهود است که مهم‌ترین آنها آموزش برخط به معنای حضور هم‌زمان استاد و فراگیر در زمان تدریس است. به عنوان مثال، یک دانشگاه مجازی می‌تواند یک دوره درسی از پیش ضبط شده را در سامانه آموزش مجازی‌اش بارگذاری کند، اما چنین برنامه‌ای در دانشگاه‌های برخط مرسوم نیست. دانشگاه‌های برخط با ایجاد بسترهای آموزش برخط مانند LMS^۲ها (سامانه‌های یادگیری الکترونیک) فضایی را جهت حضور هم‌زمان استاد و فراگیر در زمان ارائه محتواهای آموزشی آماده می‌کنند.

سامانه‌های مدیریت یادگیری الکترونیکی (LMS)

سامانه مدیریت آموزش الکترونیکی^۱ یا LMS یک برنامه‌ی نرم‌افزاری یا یک فناوری تحت وب است. این سامانه آموزش مجازی به منظور برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی از یک فرایند آموزش بخصوص مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این سامانه برای آموزش مجازی استفاده می‌شود و رایج‌ترین شکل آن از دو عامل تشکیل شده است: یک سرور که عملکردهای اساسی را اجرا می‌کند و یک رابط کاربری که مدرسان، دانش‌آموزان و مدیران آن را می‌چرخانند. معمولاً یک نرم‌افزار LMS به مدرس امکان تولید و ارائه محتوا، نظارت بر مشارکت دانش‌آموز و ارزشیابی از عملکرد دانش‌آموز را می‌دهد. سامانه مدیریت آموزش مجازی ممکن است همچنین به دانش‌آموزان این توانایی را بدهد که از امکانات ارتباط دوطرفه مانند گفتگوهای رشته‌ای، کنفرانس ویدئویی و انجمن‌های بحث و تبادل نظر استفاده کنند (بنیادی، ۱۳۹۹).

کسب و کارهای کوچک و بزرگ، ادارات دولتی ملی، دولت‌های منطقه‌ای، مؤسسات آموزشی سنتی و مؤسسات برخط مبتنی بر آموزش مجازی، به‌وفور از سامانه‌های مدیریت آموزش الکترونیکی استفاده می‌کنند. این سامانه‌ها می‌توانند موجب بهبود شیوه‌های آموزش سنتی و صرفه‌جویی در وقت و هزینه‌ی سازمان‌ها شوند. یک سامانه کارآمد به مدرسان و مدیران این امکان را می‌دهد که به‌خوبی مواردی مانند ثبت نام کاربر، محتوا، تقویم‌ها، دسترسی کاربران، ارتباطات، گواهینامه‌ها و اطلاعیه‌ها را مدیریت کنند (بنیادی، ۱۳۹۹).

کلاس مجازی (VC)

کلاس مجازی به یک سامانه برخط گفته می‌شود که به دانش‌آموزان و معلمان امکان برقراری ارتباط و همکاری را می‌دهد. کلاس‌های مجازی معمولاً راه‌حل‌های یادگیری مبتنی بر ابر هستند که بخشی از سیستم‌های مدیریت یادگیری بزرگتر (LMS) هستند (Tophat, nd). درواقع کلاس مجازی، یک فضای بخصوص برای شکل‌گیری ارتباط برخط بین استاد و فراگیر است. کلاس مجازی، امکاناتی نظیر ارتباط هم‌زمان صوتی، تصویری، تخته‌یادداشت، اشتراک‌گذاری فایل و استفاده از اسلایدهای آموزشی را داراست. باید دقت داشت که کلاس مجازی زیرمجموعه‌ای از سامانه مدیریت یادگیری است. درواقع، به آن قسمتی از سامانه‌های مدیریت یادگیری که مربوط به

برگزاری کلاس برخط می‌باشد، کلاس مجازی می‌گویند.

پیشینه پژوهش

پس از پیدایش فضای مجازی و فراگیری آن در وسیع‌ترین سطح جهانی، تحقیقات متعددی پیرامون ویژگی‌ها، مزیت‌ها، چالش‌ها و تهدیدهای این پدیده اجتماعی-فناورانه صورت پذیرفته است؛ اما از بین آنها با رعایت این ملاحظه که هر کدام که بیشترین سنخیت با موضوع تحقیق حاضر را داشته‌اند و یا از زوایای گوناگون مرتبط با موضوع پژوهش حاضر بوده‌اند، به‌طور خلاصه در ادامه ذکر می‌شود.

برایان‌دی لودر، ویلیام‌اچ داتون و آسا بریگز در کتابی (۱۳۸۸) با عنوان «دانشگاه مجازی: رسانه‌های جدید و نهادهای یادگیری و آموزش عالی» بیان داشته‌اند که امروزه شیوه‌های کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات، پژوهش و تدریس نهادها و رویه‌های آموزش عالی سنتی را دچار تغییر کرده است. وب و دیگر پیشرفت‌های مبتنی بر فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، دانشگاه‌ها و نهادهای انتفاعی و غیرانتفاعی را به سوی بهره‌گیری از آموزش برخط سوق داده است. اشکال جدید یادگیری الکترونیکی تغییراتی بنیادین در جغرافیای نهادهای آموزشی را ممکن کرده که شکل‌گیری کنسرسیوم‌های بیشتر میان نهادهای آموزشی و ادغام فضای پژوهش، تدریس و تعامل دانشجویان و اساتید را در پی دارد. کتاب حاضر، پاسخی به تحولات فوق است. این اثر که شامل ۴ بخش و ۲۲ فصل است، حاوی مقالاتی از صاحب‌نظران حوزه آموزش است که تعدادی از آنها در سال ۱۹۹۹ به کنفرانس بین‌المللی «نقش رسانه‌های جدید در آموزش و یادگیری» ارائه شده است. ارتقای تحصیل از طریق طراحی؛ یادگیری مجازی و جامعه شبکه‌ای؛ چشم‌انداز اطلاع‌رسانی دانشگاه و فناوری‌های جدید اطلاعات و تغییر ساختار آموزشی دیدگاه قانونی، از جمله عنوان‌های مقالات این کتاب است.

پریناز بنی‌سی و داود معینیان (۱۳۸۵) در کتابی به نام «نگرشی نو به آموزش مجازی» به چگونگی آموزش غیرمستقیم از طریق ابزارهای فناورانه مانند رایانه، اینترنت، ماهواره پرداخته و از آن با عنوان «آموزش مجازی» یاد می‌کند؛ آموزشی که در آن ابزارهای فناورانه جای معلم را می‌گیرند و کلاس درس به خانه یا محل کار تبدیل می‌شود و ساعات آن فراخور توان و امکانات فراگیر تغییر می‌یابد. فصل نخست کتاب درباره فناوری اطلاعات و ارتباطات است. در فصل دوم با

عنوان آموزش الکترونیکی، ضمن تحلیل مزایا و معایب این نوع آموزش رویکرد تیمی نسبت به آن نیز مطرح می‌شود. در فصل سوم و چهارم، چند و چون دانشگاه مجازی و استانداردهای آن تشریح می‌شود. در این فصل‌ها تأکید شده که هر گاه به دانشگاه مجازی و استانداردهای آن می‌اندیشیم، مدیریت اطلاعات و در پی آن، مدیریت دیجیتال نیز مطرح گشته است. در دو فصل بعدی ابعاد گوناگون این دو نوع مدیریت تشریح می‌شود. در فصل هفتم دامنه فعالیت «پارک علمی و تحقیقاتی» و اهداف، وظایف و نقش. در فصل پایانی نیز محتوای آموزش مجازی تشریح شده است.

علی زارعی (۱۳۹۶) کتابی را با عنوان «فرصت‌های آموزشی در شبکه‌های مجازی و رسانه‌های اجتماعی» منتشر نموده است. این کتاب با این پیش فرض که بحث آموزش یکی از پردرآمدترین مشاغل دنیاست که امروزه با استفاده از دنیای مجازی شکل جدیدی به خود گرفته است، به این نکته اشاره کرده است که فرصت‌های آموزشی در دنیای مجازی و شبکه‌های اجتماعی ویژگی‌های منحصر به فرد و زیادی دارند. این کتاب که به آموزش مجازی پرداخته با تأکید بر این نکته که در یک مدرسه اینترنتی محدودیتی به نام مکان وجود ندارد و هر کسی از هر جای دنیا می‌تواند تحصیلات خود را در این مدرسه بگذراند و همچنین در اغلب این مدارس محدودیت زمان هم وجود ندارد و فراگیر می‌تواند هر زمانی که خودش می‌خواهد درس را مطالعه کند، به این امر پرداخته است که راه‌اندازی یک مدرسه مجازی می‌تواند ایده خوب و پردرآمدی باشد، به شرط آنکه یک سری اصول رعایت شود. هدف از کتاب حاضر، معرفی مشاغل آموزشی در دنیای مجازی و بازگو کردن نکات کلیدی این مشاغل است.

سیدعباس زاده و همکاران (۱۳۹۶) نیز اثری را با عنوان «فرصت‌های آموزشی در شبکه‌های مجازی و رسانه‌های اجتماعی»، به منظور آشناسازی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران، اعضای هیئت علمی و دانشجویان در جهت پیشبرد آموزش عالی مجازی نگاشته‌اند. مؤلف در این کتاب مطرح کرده است که یکی از مهم‌ترین مسائلی که آموزش عالی ایران با آن مواجه است، عدم پاسخگویی نظام سنتی به نیازهای واقعی جامعه در حوزه تولید علم و آموزش به‌طور مؤثر و کارآمد است. در این میان، با ناکارآمدی نظام کنونی، مطرح شدن مبحث آموزش الکترونیکی به‌عنوان یک روش جدید، کارآمد و مؤثر ارزیابی و یادگیری در نظام آموزش عالی نیاز به شناخت مفاهیم و کلیات، رویکردهایی یاددهی و یادگیری و شناسایی مسائل دارد.

طهرانی‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به بررسی مشکلات و چالش‌های آموزش مجازی دانشگاهی از نظر اساتید دانشگاه‌های شهر تهران، پرداخته‌اند. نتایج به‌دست آمده بیانگر این است که اساتید آموزش مجازی مشکلات و چالش‌های آموزش مجازی دانشگاهی را در مؤلفه‌های فرهنگی، فنی، حقوقی، سازمانی و مالی در حد بالایی ارزیابی کرده‌اند، درحالی‌که مشکلات و چالش‌های آموزش مجازی در مؤلفه‌های شناختی، اجرایی، آموزشی را در حد متوسط ارزیابی نموده‌اند.

پورشافی و مدیحی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای ضمن اشاره به این امر که پیشرفت فناوری آموزشی در عصر اطلاعات و ارتباطات، زمینه‌ساز تکوین روش‌های نوینی در عرصه آموزش و تدریس شده است، با کاربست این روش در حوزه‌های آموزشی ضرورت بازنگری در مزایا و معایب آن را بیان نموده‌اند. این مقاله با هدف تحلیل مزایا و محدودیت‌های آموزش مجازی تدوین شده و از این رهگذر به بررسی فرصت‌ها و تهدیدات آموزش مجازی پرداخته است. این مطالعه مروری با روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است. مهم‌ترین دستاورد مقاله حاضر این است که با در نظر داشتن مزایا و معایب، کاربران با کاستن تهدیدات از مزایا در جهت ارتقای سطح آموزش بهره برده و بر اثربخشی این روش بیفزایند.

مانیان و همکاران نیز در مقاله‌ای (۱۳۸۴) با در نظر گرفتن این امر که پیشرفت شگرف فناوری اطلاعات، بسیاری از محدودیت‌ها، به‌ویژه محدودیت‌های زمانی و مکانی در امر آموزش و یادگیری را برطرف نموده و با ایجاد مفاهیمی از قبیل یادگیری مجازی، آموزش مجازی و دانشگاه مجازی، محیط آموزش را دستخوش تحول و گسترش پرشتابی نموده است، به این امر اشاره دارند که نظام آموزش عالی با استفاده از دانشگاه مجازی نه تنها می‌تواند امکان دسترسی همه علاقه‌مندان به یادگیری را فراهم نماید، بلکه می‌تواند موضوعاتی چون توسعه یادگیری گروهی، آموزش و یادگیری براساس توانایی افراد، تمرکز بر تولید دانش به‌جای انتقال یک‌سویه آن، ارزیابی تکوینی و پایانی، جایگزینی دانشجو محوری با استاد محوری، افزایش تعامل بین دانشجویان و بین استاد و دانشجو و شکل‌گیری جوامع پژوهشی را تحقق بخشد.

همچنین فتوحی قزوینی و خزاعی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای، به بررسی میزان همگامی دانشگاه مجازی با دانشگاه سنتی، در اجرای وظایف آموزش عالی، روش‌های نوین برای رسیدن بدین مقصود و مشکلات اخلاقی جدید این حوزه، پرداخته‌اند. سازگاری یا ناسازگاری عملکرد این نوع

دانشگاه با اهداف آموزش عالی، از راه بررسی انتقال ارزش‌های علمی، آزادی بیان افکار، امکان استفاده از روش‌های مختلف تدریس، نحوه انتقال ارزش‌های اجتماعی و رعایت مساوات و برابری و استفاده از امکانات مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه این پژوهش نیز بدین صورت است که در نهایت، پس از تحلیل مشکلات اخلاقی، سه رویکرد فضیلت، ممانعت و توسعه فناوری‌های جدید، برای کاهش ناهنجاری‌های اخلاقی در فضای مجازی پیشنهاد شده است.

رضایی و زاهدی نیز در اثری (۱۳۹۷) به بررسی فناوری نوین در حوزه فناوری اطلاعات و تأثیر این فناوری‌ها در حوزه یادگیری به‌ویژه آموزش الکترونیکی پرداخته‌اند. با گسترش فناوری اطلاعات و نفوذ وسایل ارتباط از راه دور، ابزارها و روش‌های آموزش نیز دچار تحول شده بود؛ به گونه‌ای که افراد می‌توانستند با استفاده از امکانات در دسترس به یادگیری بپردازند. بنابراین توسعه دوره‌های آموزش الکترونیکی به سرعت رشد و گسترش یافته و ضمن ارتقای کیفیت آموزش به یکی از محبوب‌ترین روش‌های آموزشی تبدیل شده بود. در این مقاله به توسعه و پیشرفت فناوری‌های نوین مانند محاسبات ابری، اینترنت اشیا، داده‌های حجیم، طراحی واکنش‌گرا و فناوری پوشیدنی و نقش بی‌بدیل آنها در آموزش الکترونیکی اشاره شد. علاوه بر این چالش‌های پیش رو در زمینه آموزش الکترونیکی مورد بررسی قرار گرفت.

هریک از پژوهش‌های انجام گرفته فوق، از منظری به حوزه آموزش الکترونیک و مسائل مربوط به آن پرداخته‌اند. اما آنچه تحقیق پیش رو را از سایرین متمایز می‌سازد، نگاه جامع به تمام ابعاد و زوایای موضوع مورد مطالعه به منظور ارائه هم‌زمان فرصت‌ها و چالش‌های گوناگون حوزه آموزش برخط در عرصه دانشگاهی کشور ایران خواهد بود که در ادامه به‌طور مفصل تشریح خواهد شد. همچنین می‌توان رویکرد تحلیل مضمونی و مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌مندی را که در تحقیق حاضر از آن بهره گرفته شده، به عنوان مزیت روشی این اثر در نسبت به سایر پژوهش‌های انجام شده به‌شمار آورد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر در حوزه پژوهش‌های کیفی بوده و از روش مطالعه اسنادی و تکنیک مصاحبه نیمه‌ساخت‌مند بهره برده است. در میان فنون جمع‌آوری داده در پژوهش‌های کیفی، مصاحبه رایج‌ترین شکل جمع‌آوری داده در پژوهش‌های کیفی است که اغلب منبع اصلی مورد نیاز در

داده‌های کیفی برای فهم پدیده‌های مورد مطالعه است. یکی از پرکاربردترین تکنیک‌های گردآوری اطلاعات به‌ویژه در ایران مصاحبه است (ازکیا، ۱۳۹۲). به‌منظور تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها و همچنین اسناد و مکتوبات موجود، از روش تحلیل مضمونی^۱ که یکی از پرکاربردترین روش‌های تحلیل در فرایند تحقیقات کیفی به‌شمار می‌آید، استفاده شده است. کینگ و هاروکز در سال ۲۰۱۰ با بررسی و جمع‌بندی تلاش‌های دیگر پژوهشگران تحلیل مضمونی، فرایندی سه‌مرحله‌ای را برای تحلیل مضمونی ارائه داده‌اند که در این پژوهش نیز از این فرایند استفاده می‌شود. این فرایند شامل سه مرحله کدگذاری توصیفی، کدگذاری تفسیری و یکپارچه‌سازی از طریق مضامین فراگیر است (King and Horrocks, 2010:152). در تحقیق حاضر، ابتدا متون مصاحبه‌ها به‌صورت توصیفی کدگذاری شده و سپس، مضامین تفسیری دسته‌بندی شده و در ذیل مضامین فراگیر یکپارچه شده‌اند. لازم به ذکر است که در این پژوهش، مصاحبه با ۲۵ نفر از اساتید، مدیران آموزشی و متخصصان حوزه آموزش مجازی و یادگیری الکترونیک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته صورت پذیرفت و نتایج حاصل از مصاحبه‌ها با کمک نرم‌افزار MAXQDA کدگذاری و تحلیل شده و سپس مضامین اصلی به‌دست آمده، در دو گروه فرصت‌ها و چالش‌ها دسته‌بندی شدند.

یافته‌های پژوهش

تولید کدهای اولیه

در این پژوهش در مرحله نخست، از گزاره‌های به‌دست آمده از مصاحبه‌ها با استفاده از فرایند سه‌مرحله‌ای تحلیل مضمونی که در فوق به آن اشاره شده، ۲۴۱ کد استخراج شد. جدول (۱) نمونه‌ای از این مرحله را نشان می‌دهد.

جدول ۱. کدگذاری توصیفی

ردیف	متن	کد
۱	شما در فضای مجازی یک ارتباط هدف‌مند می‌توانید داشته باشید. در آموزش مجازی بحثی با عنوان LMS داریم که	شخصی‌سازی محتوای آموزش متناسب با قابلیت‌های فردی

ردیف	متن	کد
	این می‌تواند به صورت LCMS هم باشد. یعنی محتوا را برای هر کاربر به طور خاص تعریف کنید و این سامانه‌ها شما را برای فهم بهتر خیلی کمک می‌کند. این قابلیت را در دوره‌های حضوری شاید نتوانیم خیلی داشته باشیم اما در آموزش مجازی می‌توانیم این کار را انجام دهیم که نسخه فردی برای هر فراگیر در نظر بگیریم.	
۲	همچنین ممکن است که کسی هم‌زمان چند رشته را بخواند. مواردی که می‌تواند مکمل باشد را مطالعه می‌کند. مثلاً فرد در حال تحصیل رشته‌ای هست و در جای دیگری به صورت مجازی دوره‌های کوتاه‌مدتی را جهت تکمیل آموخته‌های خود به کار می‌گیرد.	امکان تحصیل هم‌زمان چند رشته
۳	در محیط مجازی به دلیل عدم ارتباط چشمی و الگوگیری دانشجو از استاد زمینه تربیت چندان فراهم نیست. دانشجویی که به صورت مجازی اقدام به فراگیری مطالب می‌نماید امکان مشاهده واکنش‌های روزمره استاد و الگوگیری از سبک اخلاقی و تربیتی او را ندارد، اما اینکه در محیط‌های حضوری قابلیت ارتباط گیری در بالاترین سطح وجود داشته و تمرکز و توجه دانشجویان در صورت قطع شدن توسط استاد بازیابی شده و کیفیت آموزش در حد مطلوب باقی خواهد ماند.	غلبه آموزش بر تربیت سنتی و پرورش
۴	آموزش برخط موجب رسمی تر شدن روابط میان استاد - دانشجو و دانشجو - دانشجو شده اما روابط با دانشگاه و روابط میان استادان را در سطحی حداقلی نگاه می‌دارد.	غیرصمیمی شدن روابط میان دانشجویان
۵	فرصت استفاده از کلاس‌های آموزشی دانشگاه‌های برتر برای دانشجویان در مناطق مختلف کشور به صورت برابر وجود دارد.	استفاده از محتوای دانشگاه‌های برتر برای تمام دانشجویان کشور
۶	آموزش مجازی به مدیران آموزشی امکان نظرات و کنترل بیشتری نسبت به آموزش حضوری می‌دهد.	توسعه نقش نظارتی مدیران آموزشی

طبقه‌بندی مضامین

پس از آنکه تمامی مصاحبه با این روش، کدگذاری شدند، با مرور چندباره کدهای مستخرج، تلاش شد تا کدهایی که تاحدودی مرتبط با یکدیگر و از سنخ هم هستند، در قالب «مضامین سازمان‌دهنده» دسته‌بندی شوند. این مضامین، به پژوهشگر کمک می‌کنند تا یافته‌های خود را به صورت منسجم‌تر ببینند و آنها را در کنار یکدیگر طبقه‌بندی کند؛ کدهای اولیه‌ای که به دست آمده بود در قالب ۱۸ مضمون سازمان‌دهنده طبقه‌بندی شد که جدول (۲) بخشی از این مرحله را نشان می‌دهد.

جدول ۲. کدگذاری تفسیری

ردیف	کدهای توصیفی	مضامین سازمان‌دهنده
۱	در اختیار قرار دادن منابع و محتوای رایگان	افزایش دسترسی و عدالت آموزشی
۲	توسعه عدالت آموزشی	
۳	امکان تحصیل افراد شاغل	
۴	استفاده از محتوای دانشگاه‌های برتر برای تمام دانشجویان کشور	
۵	اختلال در دسترسی به سامانه‌های آموزشی مجازی	چالش‌های زیرساختی و فنی
۶	کم‌روتن بودن فرایند نشر منابع الکترونیکی نسبت به اسناد چاپی	
۷	عدم امکان استفاده از ابزارهای سنتی آموزش	
۸	کارایی ضعیف در انتقال مفاهیم دروس عملی، کارگاهی یا آزمایشگاهی	
۹	لزوم بهبود زیرساخت تعاملی یکپارچه	
۱۰	ناپایداری سرعت اینترنت در مناطق مختلف	
۱۱	عدم امکان انتشار اطلاعات محرمانه و طبقه‌بندی شده	
۱۲	غلبه حافظه محوری در برابر یادگیری واقعی	آسیب‌های فرهنگی - اجتماعی
۱۳	امکان نفوذ، جاسوسی و تهدیدهای امنیتی در پوشش آموزش‌های مجازی	
۱۴	تهدید برای خط و زبان	
۱۵	رسمی تر شدن روابط میان استاد - دانشجو	
۱۶	غیرصمیمی شدن روابط میان دانشجو - دانشجو	

ردیف	کدهای توصیفی	مضامین سازمان دهنده
۱۷	غلبه نگاه تهدیدمحور بر نگاه فرصت محور از حیث فرهنگی	
۱۸	مواجهه با برنامه‌های آموزشی غربی و غیربومی	
۱۹	کم‌ارزش شمردن یک دوره آموزشی مجازی در مقایسه با آموزش حضوری	
۲۰	تضعیف تعاملات میان‌فردی و میان‌فرهنگی در مقایسه با آموزش حضوری	

این فرایند تا جایی ادامه یافت که تمامی کدهای به‌دست آمده، در قالب دسته‌بندی‌های مشخصی سازماندهی شد و در نهایت، مضامین «عبور از محدودیت‌های مکانی»، «عبور از محدودیت‌های زمانی»، «توسعه دانشی و فنی افراد در جامعه شبکه‌ای»، «افزایش دسترسی و عدالت آموزشی»، «تکمیل و ارتقای آموزش از طریق شبکه‌سازی مانند وبینارها»، «فردمحوری آموزش مجازی»، «ارتقای کیفی آموزش در کلاس برخط»، «فرصت‌های گسترش دانش در عرصه بین‌الملل»، «مزیت‌های اقتصادی»، «توسعه نقش نظارتی مدیران آموزشی»، «تنوع در روش‌های ارزشیابی»، «چالش‌های زیرساختی و فنی»، «چالش نابرابری آموزشی»، «مشکلات ساختاری و فرایندی»، «عوامل کاهش کیفی آموزش در کلاس برخط»، «تقلیل جنبه‌های تربیت اخلاقی و معنوی»، «چالش‌های حوزه سلامت و رفتار» و «آسیب‌های فرهنگی - اجتماعی» به‌دست آمد.

یکپارچه‌سازی (مضامین فراگیر)

در مرحله پایانی تلاش شد تا با جمع‌بندی، بازطراحی و بازطبقه‌بندی داده‌هایی که از فرایند کدگذاری تفسیری حاصل شده بود، مضامینی تحت عنوان مضامین فراگیر ایجاد شوند و داده‌های حاصل ذیل آنها دسته‌بندی شوند. شکل‌های (۲ و ۳)، به‌طور جداگانه، خروجی‌های حاصل از فرایند یکپارچه‌سازی مضامین در نرم‌افزار MAXQDA 2018 هستند که یافته‌های پژوهش را به تصویر می‌کشند. جدول (۳) مشتمل بر فرصت‌ها و مزیت‌هایی است که آموزش برخط در اختیار اساتید، دانشجویان و مدیران آموزشی کشورمان قرار می‌دهد.

جدول ۳. فرصت‌های آموزش برخط دانشگاهی کشور

مضمین سازمان دهنده	مضمون فراگیر
عبور از محدودیت‌های زمانی و مکانی	فرصت‌های آموزش برخط دانشگاهی کشور
ارتقای کیفی و گسترش عدالت آموزشی	
فرصت‌های اقتصادی و توسعه بین‌المللی	
تنوع در روش‌های ارزشیابی و توسعه نظارتی	

جدول (۴) نیز نمایش دهنده چالش‌هایی است که در فرایند آموزش برخط دانشگاهی از جهاتی باعث افت کیفیت آموزش می‌شوند و دقت نظر در این مطالب، نشان می‌دهد که آموزش‌های مجازی و برخط، دست کم در وضعیت فعلی، نمی‌توانند جایگزین مناسبی برای آموزش‌های حضوری باشند.

جدول ۴. چالش‌های آموزش برخط دانشگاهی کشور

مضمین سازمان دهنده	مضمون فراگیر
چالش‌های ساختاری و فنی	چالش‌های آموزش برخط دانشگاهی کشور
چالش‌های محتوایی و کیفی آموزش	
چالش‌های تربیتی و اخلاقی	
چالش‌های سلامت روانی و جسمی	
چالش‌های فرهنگی و اجتماعی	

در ادامه، موارد فوق به‌طور جداگانه طرح شده و تفصیل داده خواهند شد. به‌طور کلی مسائل حوزه آموزش برخط دانشگاهی کشور را می‌توان در قالب دودسته «فرصت‌ها» و «چالش‌ها» مطرح کرد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که «عبور از محدودیت‌های زمانی و مکانی»، «ارتقای کیفی و گسترش عدالت آموزشی»، «فرصت‌های اقتصادی و توسعه بین‌المللی» و «تنوع در روش‌های ارزشیابی و توسعه نظارتی» به‌ترتیب بیشترین تکرار و زیرمقوله را داشته که مهم‌ترین فرصت‌ها را پیش روی اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه‌ها قرار می‌دهند.

یافته‌های پژوهش

فرصت‌های آموزش برخط دانشگاهی کشور

عبور از محدودیت‌های زمانی و مکانی

بی‌شک مهم‌ترین مزیت استفاده از آموزش‌های برخط، کم‌رنگ کردن نقش عامل زمان و عامل مکان است. امکان یادگیری در هر مکان و ملزم نبودن به حضور در یک مکان مشخص برای یادگیری تاحدزیادی بر گستره مخاطبین و مدیریت بهتر زمان برای یاددهندگان و یادگیرندگان تأثیرگذار است.

امکان بهره‌گیری از منابع مورد استفاده در دانشگاه‌های بین‌المللی، امکان کنترل از راه دور، عدم محدودیت مکانی، مفید بودن در موقعیت‌های بحرانی و گسترش دامنه مخاطبان یک دوره آموزشی، مواردی بودند که در مصاحبه‌های انجام شده پیرامون عبور از محدودیت‌های مکانی مطرح شدند. از سوی دیگر، درباره عبور از محدودیت‌های زمانی، مواردی از قبیل انعطاف‌پذیری در مدیریت زمان کلاس، دسترسی آزاد و آسان به محتوای آموزشی (حتی پس از پایان کلاس)، صرفه‌جویی در زمان مفید کلاس و امکان تحصیل هم‌زمان چند رشته مطرح شد.

ارتقای کیفی و گسترش عدالت آموزشی

یکی از کارکردهای اساسی آموزش‌های مجازی، توسعه و گسترش عدالت آموزشی و ارتقای کیفیت یادگیری عنوان شده است. این مطلب میان متخصصان و اساتید دانشگاهی نیز مورد قبول است که به کارگیری آموزش‌های مجازی و برخط فرصت دسترسی را برای یادگیرندگان دوچندان کرده و فرصت‌های برابری را برای دانشجویان صرف نظر از اینکه در کدام منطقه جغرافیایی هستند یا اینکه از چه طبقه اقتصادی هستند، فراهم نموده است.

این عنوان، متشکل از ۵ مضمون سازمان‌دهنده است. نخستین مضمون ارتقای کیفی آموزش در کلاس برخط است. این مطلب اشاره به افزایش سرعت یادگیری و انتقال منابع و اطلاعات دارد. همچنین تکرر و تعدد ابزارهای آموزشی ممکن از قبیل اینترنت و ابزارهای چندرسانه‌ای، اسلاید و...، ثبت و ضبط تصویری تمامی موقوع فرایند آموزش، رفاه بیشتر دانشجو و استاد در زمان حضور در کلاس و کنترل بهتر بر محتوای آموزشی در حال ارائه از مواردی است که همه ذیل این

مضمون، عنوان شده‌اند.

مضمون دوم افزایش دسترسی و عدالت آموزشی است که امکان استفاده از محتوای دانشگاه‌های برتر را برای تمام دانشجویان سطح کشور فراهم می‌سازد. همچنین کسانی که به‌علت اشتغال نمی‌توانستند هم‌زمان تحصیل کنند، با کمک آموزش‌های برخط می‌توانند از نعمت آموزش برخوردار شوند. مورد اخیر که در زیرمجموعه این مضمون قرار می‌گیرد، توسعه عدالت آموزشی از طریق در اختیار قرار گرفتن رایگان منابع و محتواهای آموزشی در بستر برخط است.

سومین مضمون، تکمیل و ارتقای آموزش از طریق شبکه‌سازی مانند وینارها است. از این طریق دانشگاه‌ها، اساتید و دانشجویان ملزم به حرکت در مرزهای دانش هستند و با شرکت در رویدادهای مجازی (Events) و وینارهای مختلف در فرایند به‌چالش کشیده شدن دانش موجود از طریق بحث و تبادل نظر سهم می‌شوند.

مضمون بعدی، توسعه دانشی و فنی افراد در جامعه شبکه‌ای است؛ بدین معنا که در فضای آموزشی برخط، ازسویی اصل محتوا بر ارائه‌دهنده آن تقدم دارد و ازسوی دیگر حضور در این محیط، باعث توسعه سواد اطلاعاتی و فنی فراگیران شده و به داوطلبانه بودن یادگیری کمک می‌کند.

آخرین مضمون سازمان‌دهنده در این عنوان، فردمحوری آموزش مجازی است. این مفهوم بدان معناست که امکان تولید محتوا براساس فرهنگ‌ها و قومیت‌های مختلف و نیز شخصی‌سازی محتوای آموزش متناسب با قابلیت‌های فردی به‌طور گسترده و پیشرفته‌ای در اختیار طراحان دوره‌های آموزشی قرار می‌گیرد. همچنین این ویژگی به امکان تحصیل در زیست‌بوم فرهنگی خودی کمک بسزایی می‌کند و از بسیاری از آسیب‌های احتمالی که فرد هنگام حضور در یک زیست‌بوم فرهنگی غریبه و ناآشنا با آن مواجه می‌شود، جلوگیری می‌کند.

فرصت‌های اقتصادی و توسعه بین‌المللی

امروزه دانشگاه‌های مطرح دنیا و شرکت‌های بزرگی هستند که از طریق برگزاری دوره‌های آموزش مجازی اقدام به درآمدزایی می‌کنند و در کنار این فعالیت اقتصادی، اثرگذاری بین‌المللی و علمی-فرهنگی خودشان را نیز دنبال می‌کنند. با این توضیح، دو مضمون سازمان‌دهنده در ذیل این عنوان قابل طرح است: نخست، مزیت‌های اقتصادی و دوم فرصت‌های گسترش دانش در

عرصه بین‌الملل.

به‌طور کلی آموزش‌های برخط از جهات مختلفی می‌تواند برای دانشگاه‌های کشور ما مزایای اقتصادی داشته باشد: در آمدن‌آوردن آموزش برخط، کاهش دغدغه مالی و فکری برای دانشجویان، کاهش هزینه‌های تردد، تعدیل نیروی انسانی، کاهش اساتید ثابت و مستقر، کاهش فضای آموزشی موردنیاز، کاهش هزینه سرانه آموزشی برای دانشگاه‌ها و کاهش هزینه‌ها برای دانشجویان.

مضمون دوم، فرصت‌های گسترش دانش در عرصه بین‌الملل است؛ یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که آموزش مجازی می‌تواند به‌عنوان نوعی قدرت نرم در خدمت دیپلماسی فرهنگی به‌کار گرفته شود و امکان تعامل با فرهنگ‌های گوناگون‌تر و توسعه همکاری‌های بین‌المللی را میسر سازد. از دیگر مواردی که میان کدها ذکر شده، می‌توان به امکان استفاده از اساتید برند در سطح ملی و بین‌المللی، آشنایی با آداب و رسوم و سنن سایر فرهنگ‌ها، امکان به اشتراک‌گذاری منابع عظیم علمی ایران برای سایر ملت‌ها، امکان تحصیل در کنار افراد با فرهنگ‌های گوناگون، فرصت ترویج عقاید در عرصه بین‌المللی، فرصت صدور انقلاب معرفی جمهوری اسلامی به‌عنوان الگوی پیشرفت علمی، گسترش تخصصی آموزش عالی در عرصه بین‌المللی و دورزدن تحریم‌ها و ممنوعیت‌های بین‌المللی علیه ملل مسلمان و شیعه اشاره کرد.

تنوع در روش‌های ارزشیابی و توسعه نظارتی

آخرین فرصتی که در پژوهش حاضر برای آموزش برخط دانشگاهی کشورمان احصا شده، تنوع در روش‌های ارزشیابی و توسعه نظارتی است؛ امکان ارزشیابی مستمر و دقیق دانشجویان، امکان برگزاری آزمون‌های برخط و استفاده از ابزارها و روش‌های مختلف در برگزاری تست و امتحان‌هاست.

همچنین به‌کارگیری سامانه‌های آموزش برخط، به مدیران آموزشی این امکان را می‌دهد تا نظارت بهتر و مؤثرتری را روی عملکرد اساتید داشته باشند و با توجه به اینکه امکان ضبط صوت و تصویر کلاس‌ها وجود دارد، کنترل بهتری در روند مدیریت آموزشی به‌وجود خواهد آمد.

چالش‌های آموزش برخط دانشگاهی

در بحث چالش‌های موجود در آموزش‌های برخط فعلی دانشگاهی، موارد متعددی را می‌توان برشمرد. برخی از این چالش‌ها مربوط به اصل آموزش مجازی و برخط بوده و برخی دیگر مربوط

به ظرفیت‌ها و امکانات مادی موجود می‌باشند. به‌طور کلی، در پژوهش حاضر پنج مضمون فراگیر مشتمل بر چالش‌ها و کاستی‌های مربوط به آموزش‌های برخط احصا شده است که از این‌قرار می‌باشند: «چالش‌های ساختاری و فنی»، «چالش‌های محتوایی و کیفی آموزش»، «چالش‌های تربیتی و اخلاقی»، «چالش‌های سلامت روانی و جسمی» و «چالش‌های فرهنگی و اجتماعی».

چالش‌های ساختاری و فنی

دسته نخست از این‌گونه چالش‌ها، مربوط به زیرساخت‌ها و مسائل فنی است. مواردی که ذیل این مضمون سازمان‌دهنده «چالش‌های زیرساختی و فنی» قرار گرفته‌اند، بدین شرحند: کارایی ضعیف در انتقال مفاهیم دروس عملی، کارگاهی، ریاضی یا آزمایشگاهی، اختلال در دسترسی به سامانه‌های آموزشی مجازی، لزوم بهبود زیرساخت تعاملی یکپارچه، عدم امکان انتشار اطلاعات محرمانه و طبقه‌بندی‌شده، عدم امکان استفاده از ابزارهای سنتی آموزش، ناپایداری اینترنت در مناطق مختلف و کم‌رونق بودن فرایند نشر منابع الکترونیکی نسبت به اسناد چاپی. برخی از این موارد نیاز به توضیح بیشتری دارند که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

لزوم بهبود زیرساخت تعاملی یکپارچه به معنای این است که لازم است از سوی دستگاه‌های مسئول و متولی امر آموزش عالی در کشور، نسبت به احداث و راه‌اندازی سامانه یکپارچه‌ای جهت استفاده برابر همه دانشگاه‌های کشور اقدام نمایند. به‌عنوان مثال، در دوران شیوع ویروس کرونا دانشگاه‌هایی که تمکن مالی و زیرساختی لازم را داشتند، با کمک برخی شرکت‌های دانش‌بنیان نسبت به راه‌اندازی سامانه آموزش برخط اقدام نمودند، اما این بستر برای همه دانشگاه‌ها محقق نشد و بسیاری از دانشجویان از فرایند تحصیل در سطح مطلوب آن بازماندند. لذا انتظار می‌رود سامانه‌ای مشابه آنچه به‌عنوان مثال در مدارس تحت عنوان «شبکه اجتماعی دانش آموزان (شاد)» ایجاد شد، در آموزش عالی نیز تولید و راه‌اندازی شود.

مسئله دیگری که به‌عنوان چالش در عرصه آموزش برخط وجود دارد، عدم امکان انتشار اطلاعات محرمانه و طبقه‌بندی‌شده است؛ برخی دانشگاه‌ها و رشته‌ها از قبیل، رشته‌های نظامی، سیاسی و امنیتی در کشور وجود دارند که امکان بارگذاری مطالب و محتواهای درسی‌شان در فضای اینترنت وجود ندارد و آموزش مجازی با ساخت فعلی، نمی‌تواند پاسخگوی نیاز این دسته از دانشگاه‌ها، اساتید و دانشجویانشان باشد.

مورد آخری که باید بدان اشاره کرد، کم رونق بودن فرایند نشر منابع الکترونیکی نسبت به اسناد چاپی است. هنوز بسیاری از منابع اصلی درس‌ها و رشته‌های مختلف به صورت الکترونیکی در دسترس عموم قرار ندارند و بدیهی است که اگر اراده‌ای برای بسط و توسعه آموزش‌های مجازی وجود دارد، باید فکری اساسی و جنبشی فراگیر در جهت بهبود فرایند نشر الکترونیکی صورت پذیرد.

پس از مسائل زیرساختی و فنی، دومین مضمون سازمان‌دهنده این بخش، «چالش نابرابری آموزشی» است. با اینکه پیش‌ازین گفته شد که آموزش‌های مجازی، فرصتی برای توسعه عدالت آموزشی به شمار می‌روند، درعین حال در صورتی که ملزومات آن رعایت نشود، می‌تواند عاملی در جهت بسط نابرابری آموزشی شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مواردی مانند نابرابری در دسترسی به وسایل فناورانه، تحمیل هزینه‌های جانبی و اینترنت بر دانشجویان، نامناسب بودن آموزش مجازی برای طبقه ضعیف اقتصادی و پیدایش چالش در خانواده‌های پرجمعیت در استفاده از وسایل فناورانه، از مهم‌ترین مواردی هستند که ممکن است به این موضوع دامن بزنند.

سومین مضمون در این دسته، مشکلات ساختاری و فرایندی است. این مضمون مشتمل بر مفاهیمی همچون خلأ ضوابط و مقررات مخصوص آموزش‌های مجازی، ساختار ناهمگون اداری دانشگاه‌ها با آموزش مجازی، ناهمخوانی بین زیرساخت‌های مجازی و سازوکارهای آموزشی و اداری فعلی و کاهش نقش راهبران، معاونان آموزشی و گروه‌های علمی است و بیانگر آن است که فرایند آموزش برخط، ساختار و ضوابطی متناسب با خودش را می‌طلبد. به عنوان مثال، قوانین و دستورالعمل‌های ناظر بر حضور و غیاب دانشجویان در آموزش حضوری به هیچ وجه قابل تسری به آموزش برخط نیست و خلأ ضوابطی از این قبیل، ممکن است باعث ایجاد مشکلاتی برای فرایند یادگیری و افراد دخیل در آن شود.

چالش‌های محتوایی و کیفی آموزش

آموزش مجازی، در کنار تمام فرصت‌هایی که ایجاد کرده، آسیب‌هایی را نیز با خود همراه داشته که باعث به وجود آمدن چالش‌هایی در زمینه آموزش شده است. عدم توانمندی اساتید و دانشجویان در استفاده از وسایل ارتباطی و ناآشنا بودن نسبت به این بسترها، کاهش پویایی کلاس برخط و کم‌رنگ شدن رقابت علمی بین دانشجویان، کاهش مشارکت دانشجویان، کاهش روحیه

پرسشگری و مشورت و عدم تعامل مستقیم با استاد مواردی از این دسته می‌باشند. همچنین، کاهش نظارت و مدیریت کلاس مجازی، کاهش مفاهمه در ارتباطات مجازی، بی‌اطلاعی استاد از وضعیت دانشجو حین کلاس، حواس‌پرتی و عدم تمرکز دانشجو، عوامل مزاحم محیطی در یادگیری به‌واسطه حضور در منزل، زمان‌بر بودن آماده‌سازی مقدمات کلاس (در آموزش مجازی)، ثابت‌نبودن زمان برگزاری کلاس، کاهش حجم درس و توجه و کنترل بیشتر در بیان حواشی، شوخی‌ها، اظهارنظرهای حساس و... در آموزش برخط به‌سبب امکان انتشار آن از مسائلی هستند که هر کدام به‌نوعی در فرایند برگزاری کلاس مجازی، می‌توانند چالش‌هایی را ایجاد کنند که باید مانع آنها شد.

در صورتی که موارد فوق نادیده گرفته شوند، یکی از اهداف اصلی آموزش مجازی که بهبود کیفیت آموزش و انتقال محتوای آموزشی بود، زیرسؤال رفته و دچار خدشه می‌شود. به‌همین جهت، انتظار می‌رود که با دقت نظر به ابعاد فردی، فرهنگی و ساختاری اثر این‌گونه موارد به حداقل ممکن برسد.

چالش‌های تربیتی و اخلاقی

یکی از خلأهای جدی آموزش‌های مجازی، عدم حضور دانشجو در محیط فیزیکی کلاس درس و دانشگاه است که این امر به‌طرز چشمگیری موجب تقلیل جنبه‌های تربیتی، اخلاقی و معنوی دانشجویان می‌شود. در کشور ما همواره مقوله پرورش در کنار آموزش به‌عنوان دو بال همسان برای رشد و تعالی دانش‌آموزان و دانشجویان تعریف شده و رهبران فکری، متخصصان و مسئولان عالی همواره بر این مهم تأکید ورزیده‌اند. اکنون در عرصه آموزش‌های مجازی و یادگیری برخط پرداختن صرف به مقوله آموزش نگرانی‌هایی را با خود همراه دارد که در تحقیق حاضر نیز، مورد اشاره تعداد زیادی از مصاحبه‌شوندگان قرار گرفته است.

غلبه آموزش بر پرورش و تربیت سنتی، کاهش اثرگذاری تعامل مجازی نسبت به تعامل چهره‌به‌چهره، کاهش اثرگذاری اخلاقی و رفتاری استاد روی دانشجو، حذف برنامه‌های فرهنگی و فوق‌برنامه در آموزش مجازی، چالش تربیت در دانشگاه‌های رسالت‌محور و چالش جدی درباره موضوع «دانشگاه انسان‌ساز»، مضامینی هستند که میان یافته‌های پژوهش پیرامون مسئله تربیت بدان‌ها اشاره شده است.

آموزش برخط باعث حذف برنامه‌های فرهنگی، اردوهای تشکیلاتی، کم‌رنگ شدن نقش تشکل‌ها و گروه‌های فکری - سیاسی دانشگاه‌ها خواهد شد و در دانشگاه‌هایی که تأکید ویژه‌ای به فعالیت‌های غیردرسی دانشجویان می‌شود، این مسئله کاستی‌های جدی را با خود همراه خواهد داشت. اگر دانشگاه را به عنوان مکانی برای «ساخته شدن» انسان‌ها در نظر بگیریم، قطعاً آموزش‌های برخط کمک‌چندانی به این موضوع نخواهند کرد و مدیران آموزشی و طراحان بسترهای ارتباطی می‌باید فضاهای تعاملی متناسب با این نیاز دانشجویان را برطرف کنند.

چالش‌های سلامت روانی و جسمی

دسته‌ای چالش‌هایی که در یادگیری‌های برخط به وجود می‌آیند، مربوط به حوزه سلامت و رفتار افراد می‌باشند. به عنوان مثال، مسائل فیزیولوژیکی و کم‌تحرکی دانشجویان و اساتید از بارزترین مشکلات ناظر به حیطه سلامت افراد شرکت‌کننده در این آموزش‌هاست. کاهش دغدغه‌های فراآموزشی دانشجویان، تضعیف اعتماد به نفس دانشجویان، رعایت ضعیف شئون ظاهری حضور در کلاس، کاهش خلاقیت در علم‌آموزی دانشجویان، تضعیف روحیه مربیگری و معلمی اساتید و تضعیف ارتباط تربیتی استاد-شاگردی در بیرون از کلاس درس سایر مواردی هستند که سبب بروز مشکلاتی در فرایند آموزش می‌شوند. نفس حضور فرد در محیط علمی و اجتماعی دانشگاه، باعث تغییراتی در رفتار و طرز تفکر افراد می‌شود و تأثیر چشمگیری در ارتقای رفتار اجتماعی دانشجویان می‌گذارد. تقلیل ارتباطات اجتماعی بین فردی، اختلال در فرایند اجتماعی شدن، تغییر سبک علم‌آموزی و کاهش مهارت‌های اجتماعی، به خطراتادن سلامت عاطفی و روانی دانشجویان، مواردی‌اند که مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش بر آنها تأکید ورزیدند.

چالش‌های فرهنگی و اجتماعی

برخی از مواردی که ذیل عنوان قبلی ذکر شد، ازسویی به حضور فرد در اجتماع مربوط می‌شدند، اما اثرات و آسیب‌های ناشی از آنها به خود افراد مترتب می‌شود؛ درحالی‌که دسته دیگری از چالش‌ها تحت عنوان چالش‌های فرهنگی و اجتماعی نیز وجود دارند که آنها را مربوط

به زمینه^۱ پدیده آموزش مجازی مرتبط باید دانست.

غلبه نگاه تهدیدمحور بر نگاه فرصت‌محور از حیث فرهنگی، مواجهه با برنامه‌های آموزشی غربی و غیربومی، رسمی‌تر شدن روابط میان استاد- دانشجو، تهدید برای خط و زبان، غلبه حافظه‌محوری در برابر یادگیری واقعی، تهدید بودن برای خط و زبان، کم‌ارزش شمردن یک دوره آموزشی مجازی در مقایسه با آموزش حضوری و تضعیف تعاملات میان‌فردی و میان‌فرهنگی در مقایسه با آموزش حضوری همگی جزو مواردی هستند که ممکن است تأثیر مستقیمی برای فرایند یادگیری برخط نداشته باشند، اما تبعات ناشی از آنها در عرصه اجتماعی و فرهنگ عمومی، می‌تواند خساراتی را به جامعه وارد سازد.

امکان نفوذ، جاسوسی و تهدیدهای امنیتی در پوشش آموزش‌های مجازی نیز مسئله‌ای است که در کشوری مانند کشور ما که همواره مورد تهاجم امنیتی و سیاسی دشمنان قرار داشته و دارد، از اهمیت بسزایی برخوردار است و لزوم نظارت و کنترل بیشتر بر این حوزه به‌خصوص در عرصه آموزش‌های بین‌المللی را می‌طلبد.

نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر با توجه به یافته‌های طبقه‌بندی‌شده حاصل از مصاحبه‌ها، مجموعه‌ای از فرصت‌ها و چالش‌های موجود در عرصه آموزش برخط در نظام دانشگاهی کشور احصا شد که پیش‌ازین، هر یک تاحدی تشریح شد. آنچه از مجموع یافته‌ها به دست می‌آید آن است که در شرایط فعلی و با امکانات موجود، اختلاف چندان زیادی بین فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی آموزش‌های برخط در دانشگاه‌های کشور وجود ندارد؛ هر چند که وزن چالش‌ها اندکی بیشتر است، اما غالب این موارد چالشی، به‌مرور زمان و با آگاهی‌بخشی بیشتر به کاربران و همچنین صرف هزینه‌های زیرساختی مناسب، قابل حل شدن می‌باشند. به‌عنوان مثال موارد نادرست رفتاری دانشجویان، کم‌رونی بودن فرایند نشر منابع الکترونیکی یا سطح دانش رسانه‌ای پایین برخی اساتید دانشگاه‌ها با گذشت زمان از طرق گفته شده، مرتفع می‌شود.

امتیازاتی که این گونه آموزش‌ها همراه خود دارند، به نحوی است که مدیران آموزشی را مجاب به استفاده از آموزش‌های برخط می‌کند. کاهش معتابه هزینه‌ها، سودآوری برای دانشگاه و

فرصت‌های توسعه‌ای در عرصه بین‌الملل، جذابیت فراوانی برای مدیران آموزشی دارد. از سوی دیگر، عبور از محدودیت‌های مکانی و زمانی و بهبود مدیریت زمان، تنوع در روش‌های ارزشیابی و سنجش عملکرد دانشجو و توسعه فرصت‌های یادگیری برای گستره وسیع‌تری از دانشجویان در راستای تحقق شعار عدالت آموزشی از جمله مسائلی است که آموزش برخط را برای همه افراد درگیر با آن، یعنی اساتید، دانشجویان و مدیران آموزشی دلنشین می‌کند.

البته باید توجه داشت که هنوز به‌زعم بسیاری از صاحب‌نظران، آموزش‌های مجازی از حیث تربیتی و اخلاقی در مقایسه با آموزش‌های سنتی مرتبه بسیار پایین‌تری دارد و این مطلب در مدارس یا دانشگاه‌هایی که داعیه پرورشی و تربیتی جدی‌تری نسبت به سایر مراکز آموزشی دارند، همچنان چالش بسیار مهمی است که تاکنون راه‌حل یکپارچه، مشخص و مؤثری برای آن طراحی نشده است. همچنین، برخی ویژگی‌های ذاتی آموزش‌های مجازی مانند کاهش خلاقیت در علم‌آموزی دانشجویان، کاهش مفاهیم در این نوع ارتباط‌ها، مشکلات مربوط به حوزه سلامت جسم و روان افراد و اختلالات احتمالی در فرایند اجتماعی شدن دانشجویان از جمله مواردی هستند که هنوز برنامه‌های منظمی برای پیشگیری یا برون‌رفت از آنها پیش‌بینی نشده است و این مطلب نیاز جدی به پژوهش‌های بیشتر در این حوزه را روشن می‌نماید.

منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۸۶)، انتقال از دانشگاه آموزش از راه دور سنتی به دانشگاه مجازی: نوآوری و چالش تغییر (مطالعه موردی)، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۱۳، شماره ۱: ۱۳۴-۱۱۳.
- ازکیا، مصطفی و دربان آستانه، علی‌رضا (۱۳۹۰) روش‌های کاربردی تحقیق، تهران: کیهان.
- استوارت، باربارا آل (۱۳۸۹)، «آموزش آنلاین: راهبردی برای مسئولیت اجتماعی در دسترسی به فرصت‌های آموزشی»، ترجمه اسما صابری، مجله پژوهشنامه، شماره ۶۱: ۱۵۹-۱۸۶.
- بالاکریشنن، ویمالا و سولو، هک (۱۳۹۸) به‌کارگیری رسانه در آموزش مجازی، مترجم: یاسینی، محبوبه سادات، تهران: انتشارات پشتیبان.
- بغزبان، آلبرت و جلیلی، محمدنقی (۱۳۸۲)، آموزش مجازی: تصورات و چالش‌ها، نشریه توسعه مدیریت، شماره ۵۳، ۱۳-۱۷.
- بنیادی، سهیل (۱۳۹۹)، سیستم LMS یا مدیریت آموزش الکترونیکی چیست، www.samix.org/what-is-lms.
- بنی‌سی، پریناز و معینیان، داود (۱۳۸۵)، نگرشی نو به آموزش مجازی، تهران: آینده‌سازان.

- پورشافعی، هادی و مدیحی، مجید (۱۳۹۳)، تحلیل و ارزیابی فرصت‌ها و تهدیدهای آموزش مجازی، همایش ملی علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- جعفری، پرویش و سعیدیان، نرگس (۱۳۸۵)، ابعاد پداگوژیک دانشگاه مجازی به منظور ارائه یک مدل مناسب، نشریه دانش و پژوهش در علوم تربیتی. دوره ۱، شماره ۱۲: ۲۶-۱.
- حسینی لرگانی، مریم‌سادات (۱۳۸۸)، بررسی عوامل مؤثر بر توسعه دانشگاه مجازی و وضعیت آینده آن در ایران، نشریه پژوهش در نظام‌های آموزشی، دوره ۳، شماره ۷: ۱۲۷-۱۱۵.
- خدیور، صالح و رحمانی، یونس (۱۳۸۸)، «موانع و چالش‌های دانشگاه مجازی در شهر الکترونیکی»، مجموعه مقالات دومین کنفرانس شهر الکترونیکی: ۱۶۸۱-۱۶۹۲.
- دی‌لودر، برایان و داتون، ویلیام اچ (۱۳۹۷)، دانشگاه مجازی: رسانه‌های جدید و نهادهای یادگیری و آموزش عالی، ترجمه باروتی علی‌رضا اردستانی، اعظم مرتضوی و علی ایلخانی پورنادری، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- رضایی، عباسعلی و زاهدی، محمدهادی (۱۳۹۷)، نقش فناوری‌های نوین در پیشرفت آموزش‌های الکترونیکی (با نگاهی به فرصت‌ها و چالش‌های پیش رو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی داخل)، نشریه پژوهش در نظام‌های آموزشی، دوره ۱۲، شماره ۴۰: ۲۲۴-۲۰۷.
- زارعی، علی (۱۳۹۶)، فرصت‌های آموزشی در شبکه‌های مجازی و رسانه‌های اجتماعی، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری دیباگران.
- سراجی، فرهاد؛ عطاران، محمد؛ نادری، عزت‌الله و علی‌عسگری، مجید (۱۳۸۶)، طراحی برنامه درسی دانشگاه مجازی، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۱۴، شماره ۴: ۹۷-۱۱۸.
- سیدعباس‌زاده، میرمحمد؛ باقری‌مجدد، روح‌الله و صدقی‌بوکانی، ناصر (۱۳۹۴)، آموزش عالی مجازی: کلیات، رویکردها و چالش‌ها، مهاباد: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- صبوری، سارا؛ طهرانی‌زاده، مریم؛ حدادیان، فاطمه و فتحی‌واجارگاه، کوروش (۱۳۹۵)، مشکلات آموزش مجازی دانشگاه‌های شهر تهران از نظر اساتید آموزش مجازی، فصلنامه مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره ۲، شماره ۲: ۲۳-۳۲.
- علی‌احمدی، علی‌رضا و قلی‌زاده، حامد (۱۳۸۲)، آموزش الکترونیکی و آشنایی با ویژگی‌ها و استانداردهای دانشگاه مجازی، نشریه مدیریت فردا، شماره ۱: ۶۷-۶۷.
- فتحی، محمدرضا؛ اسدی، سمیرا و هوشمند، صدیقه (۱۳۹۴)، برنامه درسی و بررسی شبکه‌های مجازی، فرصت‌ها و تهدیدها، کنفرانس ملی علوم مدیریت نوین و برنامه‌ریزی فرهنگی اجتماعی ایران.
- فتوحی قزوینی، فرانک و خزاعی، زهرا (۱۳۸۷)، ارزیابی اخلاقی دانشگاه مجازی، نشریه اخلاق در علوم و فناوری، دوره ۳: ۴۲-۳۱.
- کاتوریا، ابهینا (۱۳۹۸)، کاربرد رسانه در آموزش عالی، ترجمه مریم حق‌شناس، تهران: انتشارات پشتیبان.
- کیا، علی‌اصغر (۱۳۸۸)، نگاهی به آموزش مجازی (الکترونیک)، مجله کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۲۴: ۸۲-۸۹.

- کیان، مریم (۱۳۹۳)، چالش‌های آموزش مجازی: روایت آنچه در دانشگاه مجازی آموخته نمی‌گردد، نشریه دانشگاهی یادگیری الکترونیکی، دوره ۵، شماره ۳: ۱۱-۲۲.
- مانیان، امیر؛ منتظر، غلامعلی؛ پزشک، حمید و موسی‌خانی، محمد (۱۳۸۴)، طراحی و تبیین مدلی برای توسعه دانشگاه مجازی ایران، نشریه مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره ۳، شماره ۳: ۳۳-۵۰.
- نظام‌آبادی، محبوبه و باستین، حامد (۱۳۸۹)، کاربردی؛ یادگیری مبتنی بر وب؛ مرور سیستماتیک تنوع‌پذیری مداخلات، راهبردهای آموزش در علوم پزشکی (راهبردهای آموزشی)، دوره سوم، شماره ۴: ۱۶۹-۱۷۸.
- Bork, A. Learning with the World Wide Web, available: <http://www.sund.ku.dk/>
- Braun, Virginia and Clarke, Victoria (2006) "Using thematic analysis in psychology", *Journal Qualitative Research in Psychology*, Volume 3, Issue 2, page(s): 77-101.
- Cao, J (2005) learning with virtual mentors: how to make e- learning interactive and effective? Conference: Proceedings of the International Conference on Information Systems, ICIS 2005, December 11-14, 2005, Las Vegas, NV, USA
- Friedman, Ashley (2019). Definition of Online Education. Retrieved from <https://www.theclassroom.com/traditional-education-vs-online-education-5387976.html>
- King, N., Horrocks, C. (2010), *Interviews in qualitative research*, London: Sage
- Ladouceur, A. & Hum, D (2001). E- learning the new frontier. Retrieved from www.cata.ca/china/documents/elearning.pdf.
- Mark W. Brodsky, E-learning Implementation, available: <http://ulysseslearning.Com/>
- Ryan, Steve & Scott, Bernard & Freeman, Howard & Patel, Daxa (2013). *The Virtual University: The Internet and Resource-based Learning*, England: Routledge.
- Tophat, "Virtual Classroom", available: <https://tophat.com/glossary/v/virtual-classroom/>



الفرض و تحدّيات التعليم المباشر فى اىنترنت فى نظام التعليمى الجامعى

محمدرضا برزوى *

محمد مجيد شهبازى پور **

محد مهدى مستوفى ***

إنّ الجوّالمجازىّ، اليومىّ فيما يفوق من بعض الإعلانات أو التكنولوجيات و قد غير بالجو الواحد للحياة . كان أكثر اللغات الذى يضع الإنسان إياها فتصنع فى نطاق هذا الجوّ، و هذا الجوّ كسب دوراً هاماً بارزاً فى حيازة التعليم، و التعلّم، و تربية الإنسان بالتأكد . فى عصرنا الحاضر جعلت أدوات التكنولوجيا فى نطق الجوّ المجازىّ فى خدمة التعليم و اتعلّم من طريق البعيد حيث يكون هذا الأمر فى نظام البلاد الجامعى، حركة سريعة، فجعل بحث الفرض و تحدّيات هذه القضية، هدفاً فى الكتابة العالية . تتبع هذه المقالة إلى منهج ((تحليل المحتوى)) إلى إجابة هذا السؤال فينشى التعليم من طريق البعيد و خاصّة التعليم المباشر فى إنترنت (آنلاين) فى نظام المجمهوريّة الإسلاميّة الحامعيّة فى إيران، بأىّ حاله من حالات الفرض و التحدّيات فى موضوع تعليم الطّلاب فتحدث ؟ للإجابة إلى هذا السؤال، خلال المقابلة إلى ٢٥ رجلاً من العلماء و أصحاب النظر، فكان أربع الفرض و مميّزات التعليم و خمس تحدّيات التعليم و التهديدات مكتسباً . فإن الفرض تحتوى إلى : ((التجاوز عن القيود الزمنيةّ و المكانية))، و ((ارتفاع النوعىّ و توسع العدالة التعليميّة و ((الفرص الإقتصاديّة و التوسع الدولى)) و ((التنوع فى المناهج التخمينيّة و التوسّع المشرفى)) ؛ كذلك تحتوى التحدّيات إلى : ((التحدّيات التربوية و الأخلاقية)) و ((التحدّيات فى الصّحة النفسيةّ و الجسميّة)) و ((التحدّيات الثقافيّة و الإجماعيّة)) الى ظهرت فكان بيان الرموز فى تعليم بمايفوقها فى المقالة المذكورة

الكلمات الرئيسية: التعليم المجازى، التعليم المباشر فى إنترنت، التعليم غير المستقبل، جامعة، الفرصة، التحدّى

* الأستاذ المساعد كلية الثقافة و العلاقات، جامعة الإمام الصادق (ع)

** خبير الماجستير فى الثقافة و العلاقات، جامعة الإمام الصادق (ع)

*** خبير الماجستير فى الثقافة و العلاقات، جامعة الإمام الصادق (ع)